

## مروري بر ساختار، توانايي ها و نقش هاي سازمانهاي غيردولتي

خرداد 1388 ساعت 10:19

گروه گزارش: محمد آزادی و الهام علی پور

بخش نخست

[http://www.iranngos.info/index.php?option=com\\_content&task=view&id=25&Itemid=107](http://www.iranngos.info/index.php?option=com_content&task=view&id=25&Itemid=107)

### اشاره

دیدگاهی که اکثر برنامه ریزان و سیاستگذاران دولتی از مفهوم توسعه دارند، بآنچه که در عمل وجود دارد، متفاوت است. این امر باعث شده است مردم که اغلب مخاطبان اصلی فرایند توسعه هستند، برداشتی متفاوت و گاهی متناقض از آن داشته باشند. توسعه در مفهوم درست آن به معنای مشارکت دادن مردم و سازمانها در تمام مراحل آن است. تنها در این مورد است که مردم و سازمانهای مردمی یا غیر دولتی به طور مستقیم یا غیرمستقیم از نتیجه ی آنچه که ساخته و پرداخته اند، بهره مند خواهند شد.

تحقق مشارکت، موجب توسعه ای مردمی خواهد شد. امروز در کشورهای توسعه یافته، مردم از طریق نهادهای مختلف اجتماعی، سازمانهای اقتصادی، سیاسی و آموزشی، در تصمیم گیریهای علمی، تخصصی، تجاری در قالب سازمانهای رسمی و غیررسمی و در زمینه های گوناگون فعالیت دارند. این در حالی است که در کشورهای در حال توسعه، به دلیل اشتباه در تعریف جایگاه مردم و دولت، مردم و سازمانهای غیردولتی از نقش ضعیفی در امر توسعه برخوردار می باشند.

باوجود قدمت فعالیت و حضور سازمانهای غیردولتی در کشور که به نوعی جزء جدایی ناپذیر فرهنگ ملی و مذهبی ما بوده است، در سالهای اخیر به دلیل مفهوم سازی جدید آنها، به ویژه در مطالعات اجتماعی و اقتصادی و نیز ظهور مراجع تعیین صلاحیت سازمانهای غیردولتی (NON - GOVERNMENT ORGANIZATION) برای به رسمیت شناختن آنها، تاریخچه حضور و ایفای نقش این سازمانها در سطوح محلی، منطقه ای و ملی نادیده انگاشته شده است. باتوجه به اینکه منابع طبیعی در کشور درصد بسیار بالایی از سطح کشور را در بر می گیرد و زیربنای توسعه اقتصادی، اجتماعی و ملی را تشکیل می دهد.

وسعت بسیار زیاد عرصه های منابع طبیعی و عده امکانات و بودجه دولتی، لزوم توجه به مشارکت سازمانهای غیردولتی در حفظ، احیا و توسعه پایدار این بخش از منابع ملی را موجب می شود.

تجارب تجارت جهانی نشان می دهد که سازمانهای غیردولتی (NGOS) باایفای نقشهای نظارتی، بسیج، جذب و هدایت منابع انسانی، مادی و معنوی می توانند بهترین نمود از

مشارکت مردمی باشند که بانسجام بخشی به گروه‌های انسانی هم هدف، راه گشای دستیابی به اهداف توسعه پایدار در منابع ملی باشند.

به طور کلی، اصطلاح سازمان غیردولتی در مورد موسساتی به کار می‌رود که مستقیماً از بودجه دولتی استفاده نمی‌کنند و اعضای آنها در مقابل فعالیتی که انجام می‌دهند، مسئولیت تفویض شده دولتی ندارند. گاهی این اصطلاح هم مفهوم «سازمانهای مردمی» (PEOPLE ORGANIZATION) یا به اختصار PO به کار برده می‌شود.

سازمان ملل متحد، اصطلاح NGO را به هر گروه غیرانتفاعی داوطلبانه از شهروندان جهانی اطلاق می‌کند که در سطح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تشکیل شده باشد. آنها نظریات و ارزیابیهای کارشناسی خود را ارایه می‌دهند و همچون مکانیزم هشداردهنده عمل می‌کنند و در اجرای توافق‌نامه‌های بین‌المللی، همکاری و نظارت دارند.

ارایه مفاهیمی از ساختار سازمانهای غیردولتی، برای ساختار کارکردی این سازمانها، مطالعه جایگاه مشارکتی NGOها در توسعه اقتصادی و صنعتی کشور، بررسی قوانین مربوط به فعالیت سازمانهای غیردولتی در ایران و مقایسه‌ای کوتاه میان سازمانهای غیردولتی در کشورهای شمال و جنوب، محورهای مهمی بودند که در این گزارش ویژه مطرح شده است. که در پایان راه کارهای اجرایی برای رشد و همکاری بیشتر NGOها در حل مسایل صنعت، مدیریت و اقتصاد کشور ارایه خواهد شد. صاحب‌نظرانی که ما را در ارائه هرچه مطلوبتر این گزارش یاری کرده‌اند عبارتند از:

- آقای دکتر علیرضا جلالی، مدیر دفتر توسعه مشارکت و سازماندهی امور جوانان.

- آقای دکتر عبدالله مشاعی، نماینده سازمان ملی جوانان در استان تهران.

### **مفاهیم مرتبط با ساختار سازمانهای غیردولتی**

ساختار يك سازمان غیردولتی بیان‌کننده چارچوب مشترك و دربردارنده عناصر تشکیل‌دهنده آن سازمان، همچنین روابط حاکم در بین آنها است.

ساختار سازمانهای غیردولتی، بدین گونه دسته‌بندی شده‌اند: 1 - نهادهای موثر اجتماعی؛ 2 - تشکیلات؛ 3 - رهبریت گروه؛ 4 - مدیریت؛ 5 - هدف از تاسیس؛ 6 - رسمیت یافتگی و پویایی گروهی؛ 7 - اعضا؛ 8 - منابع (توان اقتصادی).

هریک از سازمانهای غیردولتی در بستری به نام نهاد اجتماعی شکل گرفته و رشد کرده‌اند.

انسانها در ارتباط متقابل و تعامل با یکدیگر، شکلهایی از مناسبات را به وجود می آورند که هویت خاصی دارند و سازوکارهای عمده ای را برای منظورهایی مختلف در اختیار جامعه قرار می دهند. نهادهای اجتماعی، پایدارترین شکل مناسبات انسانی و تعیین کننده روشهای انجام رفتارهای اجتماعی استقرار یافته هستند که کارکردی خاص را مدنظر قرار می دهند.

نهادهای عمده اجتماعی، معمولاً شامل پنج نهاد فرهنگی - مذهبی، آموزشی، اقتصادی، سیاسی و خانواده می باشند. هر یک از سازمانهای غیردولتی متوجه گروههای انسانی می باشند که به اتکای یک نهاد اجتماعی تکوین یافته اند. نهادهای اجتماعی، اهداف تاسیس هر سازمان غیردولتی را تعریف می کنند و بر مبنای این اهداف، رسمیت یابی آنها را تضمین می نماید. به طور مثال، یک سازمان غیردولتی با اهداف اصلی اقتصادی به دلیل در اختیار داشتن و مالکیت منابع، به سرعت از سوی اعضای نهادهای اقتصادی مانند بازار به رسمیت شناخته خواهد شد.

شیوه مدیریت سازمانهای غیردولتی، از نوع مردمی و مشارکتی است. غالباً، همه و یا اکثر اعضای در یک سازمان غیردولتی مشارکت داشته و برای احراز پستهای مدیریتی، دارای شانس مساوی هستند. در حالی که در سازمانهای دولتی، رابطه ی صف و ستادی حاکم می باشد و تصمیمات به طور متمرکز اتخاذ می شود.

بررسی عبارات مفهومی مرتبط با ساختار سازمانهای غیردولتی، چهار ویژگی عمده را مشخص می سازد:

1 - تقریباً تمام سازمانهای غیردولتی متشکل از افرادی است که انگیزه بالایی برای فعالیت در جهت هدفی خاص دارند؛

2 - اعضای در سازمانهای غیردولتی، به طور داوطلبانه فعالیت می کنند؛

3 - بیشتر سازمانهای غیردولتی به دنبال سود به معنای کسب درآمد نیستند، به عبارت بهتر اکثر سازمانهای غیردولتی غیرانتفاعی می باشند؛

4 - غالباً این سازمانها باتوجه به اهداف ویژه ای تعریف می شوند.

گذشته از موارد ذکر شده، دو مفهوم دیگر نیز اغلب در تعریف و تشخیص ساختار یک سازمان غیردولتی به کار برده می شود. ساختار قانونی یک سازمان دولتی، بوروکراتیک است. تصمیم گیری در یک سازمان دولتی، از بالا به پایین است در حالی که در سازمانهای غیردولتی، رسمی گرای اداری کمتر به چشم می خورد و تصمیم گیری، جمعی و مشارکتی است.

این سازمانها در زمینه های وسیعی فعالیت می کنند. برخی از آنها دارای زمینه فعالیت ویژه ای مانند حقوق بشر، محیط زیست و بهداشت خانواده و امثال آن می باشند؛ برخی نیز اهداف کلی و فراگیری مانند توسعه پایدار و توسعه همه جانبه در یک منطقه و یا در سطح بین المللی را در نظر دارند.

سازمانهای غیردولتی در ایران از قدمت چندین صدساله برخوردارند. این امر زمینه های لازم برای گسترش سازمانهای غیردولتی را در کشور فراهم می کند. با چنین دیدگاهی، دیگر این سازمانها نه تنها وارداتی نیستند، بلکه از بستر تاریخی و از هویت فرهنگی نیز برخوردار خواهند بود.

اگرچه این نکته نیز نباید فراموش شود که به جز در بخشهای جامعه شناسی روستایی و کشاورزی (از قبیل: بنه، حراثه، یاور و امثال آن)، مطالعه زیادی در این باره، در کشور انجام نگرفته است.

ابتدا سازمانهای غیردولتی با توجه به اهداف اصلی آنها به دو گروه (1) سازمانهای مردمی - غیردولتی با اهداف اصلی اقتصادی و (2) سازمانهای مردمی - غیردولتی با اهداف غیراقتصادی، تقسیم شده اند.

توجه به هدف اقتصادی بودن یک سازمان، زیربنایی ترین گرایش آن سازمان را تشکیل می دهد و به معنای آن است که اساساً سازمان و اعضای آن آیا به دنبال کسب منفعت و سود هستند و یا به دنبال هدف فراتری می باشند، مانند شناخت و تاثیر اجتماعی با هدف ارتقای فرهنگی، مذهبی، آموزشی، سیاسی، رفاه و عدالت اجتماعی. سطح دوم برای دسته بندی انجام شده براساس «میزان رسمیت یافتگی» آن سازمان است. این سازمانها را می توان از نظر میزان رسمیت یافتگی، در سه دسته، مشخص و تعریف کرد: اولین دسته شامل گروههای غیررسمی و سازمان نیافته، دومین، شامل سازمانهای شناخته شده از سوی مردم (حقوق عرفی) و نهایتاً دسته سوم شامل سازمانهای مردمی و غیردولتی رسمیت یافته از نظر قانونی می باشند.

دسته اول، گروههایی هستند که از پویایی برخوردارند. غالباً این گروهها متوجه یکی از نهادهای عمده اجتماعی می باشند. در دسته دوم، گروههای استقرار یافته اجتماعی قرار دارند؛ اکثر این گروهها را می توان در قالب شبه سازمانها مشخص ساخت. تشکلهای و جمعیتهای محیط زیستی در این دسته بندی قرار می گیرند. در دسته سوم، گروههای سازمان یافته قرار دارند. این سازمانها نه تنها از سوی مردم و عرفاً شناخته شده اند، بلکه قانون نیز به آنها رسمیت لازم را اعطاء کرده است. انجمنهای تخصصی و شرکتهای ثبت شده

تجاری در این دسته قرار می گیرند.

## مفاهیم مرتبط با کارکرد سازمانهای غیردولتی

کارکرد (FUNCTION) یک سازمان غیردولتی مبین توابعی رفتاری است که عوامل مختلف و ساختاری را به کار گرفته و در نهایت منتج به هدفی خاص می شود.

گذشته از هدفی که بانیان یک سازمان غیردولتی در تاسیس آن داشته اند، در عمل هر سازمانی اهدافی را دنبال می کند. عمده ترین اهدافی را که سازمانهای غیردولتی اغلب به دنبال آن می باشند عبارتند از:

- 1 - اطلاع رسانی و آگاه سازی عمومی (ارتباطات)؛
- 2 - جلب مشارکت مردمی (بسیج مردمی)؛
- 3 - جذب سرمایه ها و منابع کوچک مردمی (بسیج منابع)؛
- 4 - ایجاد، گسترش و تقویت هماهنگی میان دولت و مردم (هماهنگی)؛
- 5 - ایجاد، گسترش و تقویت تفاهم میان مردم ملل مختلف؛
- 6 - پایداری در تولید و مصرف؛
- 7 - گسترش نظارت عمومی؛
- 8 - ارزیابی فعالیتها و پروژه های عمومی؛
- 9 - افزایش بهره وری در استفاده از منابع.

هریک از اهداف نه گانه بیان شده، متوجه بخشی از مدیریت دلخواه این سازمانها بر روی منابع عمومی کشور است. بررسی هریک از عبارات مفهومی ذکر شده گویای این مطلب مهم است که تمام سازمانهای غیردولتی به دنبال ایجاد و گسترش امنیت در فرایند توسعه اجتماعی و اقتصادی می باشند.

بسیاری از پروژه های محلی، ملی و منطقه ای به دلیل نیاز شدید به سرمایه و نیروی کار، یا اساساً به مرحله اجرا درنیامده و یا نیمه تمام می مانند و هزینه های بسیاری را بر مردم تحمیل می کند.

سازمانهای غیردولتی در این مورد به عنوان يك تسهیل کننده عمل کرده و با جلب مشارکت مردمی و جذب سرمایه های كوچك و هدایت آنها، علاوه بر ایجاد تفاهم اجتماعی، اجرای پروژه های محلی و ملی و امثال آن را تسریع می کنند. از سوی دیگر، این سازمانها با اعمال نظارت و ارزیابی فرایند انجام فعالیتها، مردم را از پیشرفت کار، مسائل و مشکلات و امثال آن آگاه می نمایند. همه این موارد از مزایای حضور و فعالیت سازمانهای غیردولتی در سطح جهان است.

از میان اهداف نه گانه ای که به آنها اشاره شد، سه هدف شامل جلب مشارکت مردمی، جذب سرمایه های كوچك و نظارت و ارزیابی از اهمیت و جایگاه بالاتری نسبت به سایر اهداف برخوردار می باشند.

همچنان که نگاره ی زیر نشان می دهد، کارکرد سازمانهای غیردولتی، متوجه ابعاد مختلف مشارکت آنها است. مشارکت سازمانهای غیردولتی بر روی منابع، به طور مستقیم یا غیرمستقیم اعمال می شود. مشارکت مستقیم بر منابع از سوی این سازمانها، غالباً متوجه ساختاری بااهداف اصلی اقتصادی است که کارکردهای آن متوجه مالکیت منابع و دست یابی به رفاه و آسایش می باشد.

### **معانی مشارکت در ارتباط با سازمانهای غیردولتی**

مشارکت غیرمستقیم بر منابع، هدفی والاتر را دنبال می کند. این قبیل سازمانها اغلب در قلمرو اجتماعی، سیاسی، فرهنگی فعالیت می کنند و به دنبال شکوفایی و بالندگی معنوی می باشند. نتیجه چنین مشارکتی، سهمین شدن در قدرت است.

هرچند اکثر اندیشمندان تنها راه توسعه کشورهای در حال توسعه را انتقال فناوری از کشورهای توسعه یافته دانسته اند، ولی غالباً پیامدهای نامطلوب آن را نادیده گرفته اند؛ پیامدهایی که عمدتاً به دلیل تضاد فرهنگی میان دهنده و گیرنده فناوری وجود داشته است. سازمانهای غیردولتی باتوجه به این امر، فرهنگ سازی را از کارکردهای اصلی خود قرار داده اند تا فاصله درك شده را برطرف و راه توسعه ای بادوام و پایدار را هموار کنند. هر يك از سازمانهای غیردولتی، به تبع اهداف از پیش تعیین شده خویش و توانایی اعضا و گروه خود، این فرهنگ سازی را تفسیر و باروش خاص خود در عملی نمودن آن می کوشد.

### **رکن سوم توسعه پایدار**

آقای دکتر جلالی دیدگاههای خود را درباره NGOها بویژه در کشورمان این گونه بیان می کنند؛ عنوان سازمان غیردولتی را به شرکت اطلاق نمی کنیم. شرکت يك موسسه ی انتفاعی

است که سهام و سهامدار دارد و سود حاصل از فعالیتها. بین سهامداران آن تقسیم می شود. اما سازمان غیردولتی، در کنار شرکتها و دولت که انتفاعی هستند، موسساتی غیرتجاری اند، یعنی سود حاصل از فعالیتها - چنانچه سودی داشته باشند - صرف اهداف موسسه می شود.

سازمانهای غیردولتی، غیرسیاسی اند و بااهداف بشردوستانه تشکیل می شوند. در ایران سابقه کار خیریه و غیردولتی، هم از نظر اسلامی و هم از نظر ایرانی بودن، بسیار طولانی است. اما در سالهای اخیر و به دنبال رشد سازمانهای غیردولتی در دنیا، که نقشهای جدید و متنوعی دارند، در ایران نیز این سازمانها متولد شدند و یا به عبارت دیگر توسعه و رسمیت یافتند. به خصوص از سال 76 و با شعار جامعه ی مدنی و ایجاد فضا و فرصت مناسب در جامعه که این روند را سرعت بخشید.

سازمانهای غیردولتی در کنار بخش خصوصی و دولت، رکن سوم توسعه ی پایدار را تشکیل می دهند، توسعه ی پایدار و متوازن در کشور ارتقاء نمی یابد مگر این که این سه بخش در کنار هم به فعالیت بپردازند.

NGO ها براساس نوع و علاقه به فعالیت و موضوع خاص، در حوزه های متفاوتی اعم از محیط زیست، زنان، خیریه، مبارزه با ایدز و مواد مخدر، جوانان، مذهب، صلح و حقوق بشر، کارآفرینی و کارگستری به شکل کمک به پروژه های دولتی، نظارتی بر اقدامات دولت، انجام فعالیتهای الگویی و یا فعالیتهای ترویجی. مشغول خدمت رسانی به گروههای ذی علاقه هستند.

دکتر جلالی جایگاه مشارکتی این سازمانها را در توسعه اقتصادی و صنعتی چنین بیان کرد:

سازمانهای غیردولتی، فعالیت اقتصادی و صنعتی کمتری به معنای انجام فعالیتهای تولیدی دارند. در حقیقت بیشتر در سیاستگذاریها؛ جهت دهی به سیاستهای صنعتی در جهت منافع مردم، افزایش خلاقیت و نوآوری، ترویج سیاستهای زیست محیطی و غیرمخرب و تلاش برای موثرکردن صنعت و اقتصاد کشور به نفع اقشار آسیب پذیر و محروم، موثرند. همچنین پاسخگوسازی بخش اقتصاد و صنعت در کشور و شفاف سازی فعالیتهای اقتصادی و صنعتی از رسالتهای NGOهاست.

در ایران، عمر سازمانهای غیردولتی چندان طولانی نیست. یعنی به عنوان چند نهاد مدرن، عمر نهادهای اقتصادی و صنعتی و دولت، بسیار بیشتر از نهادهای غیردولتی است. علاوه براین، موانع زیادی بر سرراه تاثیرگذاری این سازمانها وجود دارد که بخشی از آنها به درون این سازمانها مربوط است و بخش دیگر به مشکلات جامعه.

بنابراین به همان اندازه که اقتصاد و صنعت و دولت در حل مسائل موثرند، نمی توان آنها را موثر دانست. در حالی که رشد و پیشرفت آنها بسیار چشمگیر و خیره کننده است. گرچه در حال حاضر باتوجه به این که این نهاد توسعه کمی و کیفی خود را نیافته است، نمی توانیم انتظار زیادی داشته باشیم ولی در همین مدت کوتاه ثابت شده که NGOها تاثیرات جدی داشته اند و این روند قابل بهبود و پیشرفت است.

سازمانهای غیردولتی در کشورهای توسعه یافته (کشورهای شمال) می دانیم غرب در سالهای منتهی به قرن بیستم دچار تحولات ژرفی شد؛ تحولاتی که ریشه در قرون 16 تا 19 میلادی داشته و بیشتر در اروپای غربی و در ایالات متحده آمریکا ظهور یافته است. این برهه از تاریخ غرب، زنجیره ای از حوادث و دگرگونیهایی است که ارمغان آن ظهور سرمایه داری و ایجاد يك جامعه صنعتی در سالهای اخیر بوده است. ظهور سرمایه داری، به دنبال خود، نظام اجتماعی و فرهنگ جامعه را نیز متحول کرد. انسان به عنوان نیروی کار و مصرف کننده کالاهای تولیدشده مدنظر قرار گرفت و سرمایه داری به دنبال انباشت سرمایه منجر به استفاده بیش از حد منابع، باعث گسترش پیامدهای نامطلوب انسانی و زیست محیطی گردید.

در این میان افراد و گروههایی فرانگر و آگاه از وضعیت ایجاد شده، تلاش کردند تا با سازماندهی گروههای انسانی، آنچه را سرمایه داری فراموش کرده بود به جامعه انسانی متذکر شود، آنها با نظارت بر بخش دولتی و نظام سرمایه داری از طریق ایجاد سازمانهای مردمی، اهدافی آرمانی مانند عدالت اجتماعی، توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست، توجه به توزیع عادلانه ثروت در جامعه، جلوگیری از تاراج منابعی که در اختیار کشورهای جهان سوم است و هدایت منابع مالی به این کشورها و امثال آن را درپیش گرفتند.

اکنون، در کشورهای توسعه یافته شمالی، نقش سازمانهای غیردولتی در جامعه نهادینه شده است. این سازمانها حدواسط میان مردم و دولت بوده که دائماً در حال شکل گیری یا انحلال می باشند. دولتها معمولاً در مقابل چنین سازمانهایی نقش انفعالی دارند. غالباً، این سازمانها بر اعمال دولت نظارت و کنترل مستقیم دارند. مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی دیگر مانند تلویزیون، رادیو، به عنوان مهمترین ابزار و وسیله ارتباطی در اختیار این سازمانها است.

مهمترین ویژگی سازمانهای غیردولتی، داشتن منطق منحصر به فرد و خارج از منطق بازار است. بنابراین، درحالی که سازمانهای غیردولتی، پیشبرد اهداف اجتماعی و سازمانی را در اولویت فعالیتهای خود قلمداد کرده اند، منطق بازار آن را نمی پذیرد. وجود بازارهای کاملاً رقابتی، موجب کاهش فعالیتهای گروهی و جمعی شده است. بر این اساس، اکثر سازمانهای غیردولتی اعم از شرکتهای تعاونی و سازمانهای غیرانتفاعی در برآوردن مجموع



نیازهای اقتصادی و اجتماعی، که هدف اصلی تشکیل آنها است. چندان موفق نبوده اند (هوز، 1997).

شاید اصلی ترین ریشه عدم موفقیت این سازمانها، وابستگی بودجه ای آنها است که از سوی موسسات انتفاعی و اقتصادی تامین می شود. بنابراین، به همان میزان که بقای چنین سازمانهایی، کمکهای مستمر خیرخواهانه شرکتهای انتفاعی را ضروری می سازد، سازمان غیرانتفاعی نیز زیر فشار خواسته های این کمک دهندگان خواهدبود. این مساله توانایی سازمان غیرانتفاعی را در دنبال نمودن اهداف اولیه اش کاهش می دهد. این مشکل با کمی تفاوت، دامن گیر اتحادیه های تجاری نیز هست. این سازمانها در ایجاد ترکیبی معقول از منطق بازاری و غیربازاری فعالیتهای جمعی در معاملات و در اهداف سیاسی موردنظر خود روبرو هستند.

بنابراین، عمده سازمانهای غیردولتی در کشورهای توسعه یافته، مستقل از دولت می باشند ولی اغلب آنها به سازمانهای انتفاعی و اقتصادی وابسته اند. اکنون، سازمانهای غیردولتی در کشورهای غربی درگیر مسائل تازه تری شده اند. ناتوانی در رقابت با بازار، وابستگی بودجه به سازمانهای انتفاعی، تشتت در پیگیری اهداف اجتماعی و جایگزینی آن با اهداف ماهیتاً اقتصادی و امثال آن، از جمله مسائل درگیر با این سازمانها می باشد. ازسوی دیگر، در کشورهای شمال به عنوان راه حل نهایی رفع پیامدهای نامطلوب ناشی از توسعه اقتصادی و رشد یکجانبه صنعت و فناوری، رشد «از خود بیگانگی» شهروندان و درجهت کمک به بیکاران و اقشار کم درآمد جامعه این سازمانها موردحمایت دولت و نهادهای مردمی می باشند.

سازمانهای غیردولتی در کشورهای درحال توسعه (کشورهای جنوب) در سالهای گذشته، برخلاف بسیاری از کشورهای شمال که نهادهای خودجوش مردمی را برای دخالت در اجرا و نظارت امور محقّ می دانستند، اکثر کشورهای جنوب و درحال توسعه به دلیل ساختارهای متمرکز قدرت و حکومت، از دادن اجازه پیدایش و رسمیت یافتن به گروههای غیردولتی، خودداری کرده اند.

با فروپاشی مقتدرترین نظام حکومتی متمرکز، یعنی اتحاد جماهیر شوروی سابق و نظام کمونیستی حاکم بر آن، مدیریت دولتی منابع را در کلیه کشورهای دنیا تحت تاثیر خود قرار داد. حرکت بیشتر کشورهای جهان از اقتصادی بسته به سوی درهای باز و جهانی، از تبعات میانی این تحول بوده است. همچنین، تحول نظامهای دولتی به سوی تمرکززدایی از ساختارهای مدیریتی منابع قدرت (دانش، ثروت و امثال آن) و انتقال آن به مردم در بیشتر کشورهای جنوب، رشد روند پیدایش گروههای مردمی در زیربخشهای دولتی را موجب شده

است. نتیجه این امر تشکیل سازمانهای غیردولتی وابسته به دولت بوده است.

نیاز اساسی چنین حرکتی، محدود کردن دامنه عمل و نظارت دولت و سپس ایجاد نظامهای مکمل و متمم برای طراحی و برنامه ریزی، اجرا و نظارت و ارزشیابی، در تمامی زیر نظامهای جامعه بوده است. به عبارت دیگر، مشارکت مردمی در تمامی نهادهای اجتماعی و بویژه در نهادهای سیاسی و اقتصادی، مطرح و خواسته شده است. ولی به دلیل نهادینه نبودن مشارکت در مفهوم عام آن در میان اقشار مردمی و اجتماعی و تداوم انتظار و توقع مردم از دولتها در حکومت و مدیریت بر منابع، که زاینده شیوه عمل حکومتهای متمرکز قبلی بود، این حرکت را کند نمود و بسیاری از طرحهای مشارکتی را با عدم موفقیت روبه رو کرد.

امروز با گسترش ارتباطات جهانی بویژه در منطقه کشورهای جنوب شرقی آسیا و خاور دور، همچنین گسترش دموکراسی دولتی به دلیل اقتصادی روابط باز تجاری و اقتصاد بین المللی، اجتماعات مردمی با نگاه کردن به تجارب موجود در کشورهای شمال و الگوگرفتن از آنها و اغلب به طور خودجوش و بومی، وابسته و یا مستقل از دولت، اقدام به تاسیس سازمانهای غیردولتی و مردمی کرده اند.

یکی از بزرگترین مسائل در پیشبرد اهداف توسعه همه جانبه در کشورهای جنوب، کمبود منابع مالی و وثیقه بانکی روستائیان برای دریافت تسهیلات بانکی است. سازمانهای غیردولتی، با شناخت جامعه روستایی و روابط حاکم بر آن در کشورهای بنگلادش، نیجریه، بولیوی، مالی و هندوستان، راههای بسیار موفق را طراحی و به کار گرفته اند. در روش ابداعی آنها که بعضاً گرامین بانک خوانده شد، دریافت وام بدون وثیقه و تنها به اتکای روابط و مناسبات اجتماعی، تعریف شد. نتایج بکارگیری این روش نرخ بازدهی سرمایه را تا حدود 77 درصد افزایش داد و مردم فقیر زیادی نیز بدون ارائه وثیقه بانکی، توانستند از منابع اعتباری استفاده نمایند. اخیراً، مطالعات زیادی برای بهبود سازمانهای غیردولتی اعتباری در حال انجام است که بر پیوند موسسات اعتباری، با سازمانهای غیردولتی به عنوان نیاز جامعه روستایی تاکید می کنند.

در ادامه این گزارش ویژه دیدگاههای آقای دکتر مشاعی را درباره گستره کاری سازمانهای غیردولتی جویا شدیم. ایشان که دارای دکترای علوم سیاسی می باشند ضمن اینکه NGOها را سازمانهای غیرانتفاعی مستقل از دولت تعریف می کنند، اعتقاد دارند که این سازمانهای حقوقی، فعالیتهایی را در زمینه های اجتماعی، فرهنگی، بشردوستانه، فنی و اقتصادی، کاهش فقر، حمایت از محیط زیست و... انجام می دهند. ایشان می افزایند:

گستره کاری NGOها بسیار متنوع است. فعالیت برخی از آنها جنبه بین المللی داشته و در

کشورهای مختلف دارای شعباتی هستند، در صورتی که برخی دیگر بسیار کوچک بوده و قلمرو کاری آنها در حد منطقه ای مشخص است.

برخی از آنها با یک موضوع مشخص و تعریف شده سروکار دارند در حالی که موضوع فعالیت برخی از آنها بسیار گسترده است و مفاهیمی مثل صلح، بهداشت و... را در بر می گیرد. برخی از آنها اعضای بسیار زیادی دارند در حالی که برخی دیگر تنها تعداد محدودی عضو آن هم با شرایط خاص خود را می پذیرند.

در یک تقسیم بندی NGOها به سه دسته اصلی تقسیم می شوند:

1 - سازمانهای ناحیه ای (کوچک): سازمانهایی هستند که خدمات خود را به جمعیت کوچک و در ناحیه جغرافیایی محدود ارائه می دهند.

2 - سازمانهای ملی: سازمانهایی هستند که در سطح ملی کار می کنند.

3 - سازمانهای بین المللی:

سازمانهایی هستند که معمولاً مقر اصلی آنها در یکی از کشورهای پیشرفته است و در کشورهای در حال توسعه دارای شعباتی می باشند. **یک NGO عبارت است از:**

- سازمان غیرانتفاعی، خدمت مدار و توسعه محور که در جهت منافع افراد جامعه عمل می نماید.

- سازمانی که از افراد معتقد به اصول عمده اجتماعی معینی تشکیل شده است. - سازمان توسعه اجتماعی که هدف آن توانمندسازی افراد جامعه است.

- سازمانی مستقل، مردم سالار و غیرفرقه ای که برای توانمندسازی گروههای حاشیه ای تلاش می کند.

- سازمانی که به هیچ حزب سیاسی وابسته نبوده و به طور کلی متعهد به خدمت برای توسعه و رفاه اجتماعی است.

- سازمانی که معتقد است باید شناخت عمیق مشکلات در مسیر بهترنمودن زندگی مردم آسیب پذیر تلاش کرد.

- سازمانی که از نظر ساختاری انعطاف پذیر و مردمی است و بدون منفعت طلبی در جهت

ارائه خدمات به جامعه تلاش می کند.

بخش اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل UNESCK در فوریه 1950 سازمانهای غیرانتفاعی را این گونه تعریف کرد، هر نوع سازمان بین المللی که با موافقت دولتی ایجاد نشده باشد سازمان غیردولتی محسوب می شود. از آن پس واژه NGO برای انواع متعدد سازمانهایی که در درون مرزهای هر کشور فعالیت می کنند به کار گرفته شد. در ادبیات سازمانهای غیردولتی سه اصطلاح وجود دارد که معمولاً به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می گیرند:

الف - سازمانهای غیردولتی NGO

ب - سازمانهای داوطلبانه خصوصی PRIVATE VOLUNTARY ORGANIZATIONS=PVOs

ج - سازمانهای غیرانتفاعی NON PROFIT ORGANIZATIONS = NPOS

سازمان داوطلبانه خصوصی سازمانی غیردولتی (خصوصی)، معاف از مالیات و غیرانتفاعی است که فراتر از مرزهای متعارف کشور خود برای کمک به توسعه و در جهت امداد رسانی فعالیت می کند.

یک سازمان غیرانتفاعی عبارت است از سازمان رسمی، خصوصی، غیرانتفاعی، خودگرایی و داوطلبانه.

دکتر مشاعی حوزه های فعالیت NGOها را به شرح زیر بیان کردند. با هم می خوانیم:

**الف - حوزه سیاسی**

حکومتها باید حضور و فعالیت سازمانهای غیردولتی را بپذیرند و در مقابل آنها صف آرای نمی کنند و یا آنها را رقیب خود ندانند. معمولاً در جوامع در حال توسعه چنین مشکلاتی وجود دارد. دولتها می توانند از طریق تشویق برای شکل گیری جامعه مدنی و ایجاد محیطی مناسب برای پاسخگویی نهادهای دولتی و توسعه مشارکتی، بسترهای سیاسی را برای رشد و گسترش سازمانهای غیردولتی ایجاد کنند. کنترلهای بی رویه، دخالتهای آشکار و پنهان، نگرشهای بدبینانه، تقلب در قوانین، عدم ایجاد زمینه های حضور جدی در سمینارها و کنفرانسهای جهانی و یا عضویت در سازمانهای جهانی و... و یا ایجاد تسهیلات فوق الذکر می تواند ساختارهای سیاسی متعددی را ایجاد نماید که در گسترش و یا عدم توسعه سازمانهای غیردولتی فوق العاده موثر باشد.

## ب - حوزه دیوانسالاری

چنانچه حکومتها بخواهند از مشارکت بخش غیردولتی در برنامه های خود استفاده کنند باید راهکارهایی اجرایی آن را در نظام دیوانسالاری خود طراحی کنند. پیشنهادات زیر می تواند در این زمینه اثربخش باشد:

- 1 - تفکیک وظایف و حوزه های فعالیت بخشهای دولتی و غیردولتی.
- 2 - هموارکردن زمینه برای مشارکت بخش غیردولتی در تصمیم گیری، اجرا، نظارت و ارزشیابی.
- 3 - ارائه زمینه های اجرایی برای کاهش تصدی گری دولتی.
- 4 - همکاری در بخش دولتی و غیردولتی از طریق به رسمیت شناختن، عضویت و شرکت سازمانهای غیردولتی در جلسه و کمیته های برنامه ریزی دولتی.
- 5 - تسهیل در وضعیت مقررات اداری از نظر صدور مجوز تاسیس سازمانهای غیردولتی.
- 6 - برخورداری از معافیتهای مالیاتی، گمرکی و... و نیز تسهیل در اعطای اعتبارات و تسهیلات.

## ج - حوزه قانونی

سازمانهای غیردولتی از طریق ثبت شدنشان در مراجع قانونی از شخصیت حقوقی برخوردار می شوند و در غیر این صورت برای عقد قراردادها با سازمانهای غیردولتی، بانکها و همکاریهای بین المللی مشکل خواهند داشت.

- 1 - کاهش محدودیتهای قانونی چگونگی ثبت تشکلهای غیردولتی، فعالیت، تامین منابع مالی، نظارت و کنترل و... آنها.
- 2 - وضع قوانینی که تشکلهای مردمی را به رسمیت بشناسد.
- 3 - بازنگری و اصلاح ساختار قانونی کشورها به نحوی که مانعی برای گسترش سازمانهای غیردولتی ایجاد نکند.
- 4 - تغییر ساختار اجتماعی و فرهنگی با معرفی سازمانهای غیردولتی از طریق کتب آموزشی متوسطه، دانشگاهی، رسانه های گروهی و رسانه ملی.

## طبقه بندی سازمانهای غیردولتی

دکتر مشاعی در ادامه سخنان خود در این مصاحبه پنج نوع طبقه بندی از NGOها را مطرح کردند این طبقه بندی ها از نظر بانک جهانی، از نظر کلارک (براساس فعالیت) از نظر موضوع فعالیت، از نظر سطوح عملیاتی (سازمانهای اجرایی) و از نظر جهت گیری می باشند که در ادامه آمده است.

### **طبقه بندی NGOs از نظر بانک جهانی**

الف - سازمانهای عملیاتی (اجرایی)

- سازمانهای محله محور

- سازمانهای ملی

- سازمانهای بین المللی

### **ب - سازمانهای حمایتی (ترویجی)**

طبقه بندی NGOs از نظر کلارک (براساس فعالیت)

1- سازمانهای رفاهی.

2 - سازمانهای فعال در زمینه نوآوری های فنی.

3 - پیمانکاران خدمات دولتی.

4 - سازمانهای توسعه که در خصوص خودیاری، توسعه اجتماعی و ایجاد دموکراسی است.

5 - سازمانهای حمایت از فقرا و توسعه آنها که از کمکهای دیگر سازمانها برخوردارند.

6 - گروهها یا شبکه های حمایتی.

### **طبقه بندی NGOs براساس موضوع فعالیت**

1 - سازمانهای تبلیغاتی

2 - سازمانهای تخصصی

3 - سازمانهای عام

4 - سازمانهای بشردوستانه

### **طبقه بندی NGOs از لحاظ سطوح عملیاتی (سازمانهای اجرایی)**

1 - سازمانهای غیردولتی محله محور CBOS

2 - سازمانهای غیردولتی شهر مقیاس CITY WIDE

3 - سازمانهای غیردولتی ملی

4 - سازمانهای غیردولتی بین المللی

طبقه بندی NGOs از نظر جهت گیری

1 - جهت گیری خیریه CHARITABLE

2 - جهت گیری خدماتی SERVICE

3 - جهت گیری مشارکتی PARTICIPATORY

4 - جهت گیری توانمندسازی EMPOWERING

### **مزیت NGOs بر آژانس های دولتی**

1 - NGOs مردم فقیر را در مناطق محروم مورد رسیدگی قرار می دهند. جایی که حکومت حضور ندارد و یا حضورش اثربخش نیست.

2 - NGOs با هزینه کمتری عملیات خود را انجام می دهند. چرا که ماهیت داوطلبی دارند و هزینه بالاسری کمتری نیاز دارند.

3 - NGOs به وسیله کار با گروههای جامعه به عنوان شرکاء، مشارکت محلی را ارتقا می بخشند و بر ابتکارات خودیاری محلی و کنترل برنامه ها تاکید دارند.

4 - NGOs متناسب با نیازها و شرایط محلی نوآوری می کنند و خود را با آنها تطبیق می دهند. از آقای دکتر جلالی پرسیدیم آیا قوانینی وجود دارد که مانع گسترش فعالیتهای سازمانهای غیردولتی می شوند ایشان در پاسخ چنین گفتند:

سازمانهای غیردولتی بیشتر از آنکه نیازمند قانون باشند، نیازمند قانون و مقررات زدایی

هستند.

البته قوانین فعلی کشور مانع نیستند و بیشتر اجزای ناصحیح یا عدم رعایت مقررات مانع فعالیت است. یعنی اگر قوانین دست و پاگیر نباشند و درست اجرا شوند، به این سازمانها در جهت اهدافشان لطمه ای وارد نخواهد شد.

### **مشارکت سازمانهای غیردولتی در مدیریت منابع**

برمبنای اسناد بررسی شده، چنددسته عوامل در مدیریت کارآمدتر منابع یا مشارکت سازمانهای غیردولتی مشخص شده است. این عوامل عبارتند از:

#### **الف - عوامل مربوط به سازمانهای غیردولتی**

همچنان که در قسمت قبل گفته شد، سازمانهای غیردولتی دارای دو جنبه تحلیلی شامل ساختار و کارکرد هستند. عناصر ساختاری، مشترکات هر سازمان غیردولتی را نشان می دهند و به واسطه آن، سطح رشد یک سازمان غیردولتی قابل تشخیص است. از میان عوامل ساختاری در نهایت دو دسته از عوامل، شاملگرایش اصلی اهداف و میزان رسمیت یافتگی، برای تعیین میزان رشدیافتگی سازمانهای غیردولتی مشخص شده است. بسته به اینکه یک سازمان غیردولتی در کدام یک از دسته بندی های انجام شده قرار گیرد. میزان مشارکت و تاثیرگذاری آن سازمان در مدیریت منابع متفاوت است. سازمانهای غیردولتی با اهداف اصلی اقتصادی، به دلیل شفافیت و شناخته شده بودن و رسمیت قانونی، مشارکت بیشتری در مدیریت منابع عمومی دارند. در حالی که سازمانهای دولتی بااهداف اصلی غیراقتصادی، به دلایل مختلفی میزان مشارکت پایین تری را در مدیریت منابع نشان می دهند. از سوی دیگر، سازمانهایی که از درجه رسمیت بالاتری برخوردارند، در سطوح بالاتری از مشارکت در مدیریت منابع قرار دارند.

بخش دیگری از عوامل موثر در مشارکت سازمانهای غیردولتی ، عوامل کارکردی آنها می باشد. عناصر کارکردی متوجه اهداف، روشها و میزان دست یابی به این اهداف و همچنین عملکردهای یک سازمان غیردولتی ساختمانند در جامعه و در ارتباط با مدیریت منابع می باشد. هر یک از سازمانهای غیردولتی باتوجه به عناصر ساختاری خود، کارکردهای متفاوتی را در ارتباط با مدیریت منابع نشان داده اند، گروهی باایجاد و گسترش ارتباط با بخشهای دولتی و بین المللی وگروهی با آموزش و پژوهش، اهداف ترسیمی خود را پیگیری می نمایند.

بنابراین، مشارکت سازمانهای غیردولتی همچنان که تابعی از عناصر ساختاری آنها است، از



عناصر کارکردی آنها نیز اثر می پذیرد. هر اندازه یک سازمان غیردولتی از نظر ساختاری و کارکردی در رتبه بالاتری باشد، مدیریت منابع از طریق مشارکت این سازمانها، کارآمدتر و موثرتر خواهد بود.

### **ب - عوامل مربوط به منابع**

بسته به اینکه منابع کدامند و بخش متولی این منابع چه نهادی است، مشارکت سازمانهای غیردولتی در مدیریت آنها نیز متفاوت است. آنچه در ارتباط با منابع مهم است، آن است که هراندازه میزان تمرکزگرایی در مدیریت منابع بالاتر باشد، سهم مشارکت سازمانهای غیردولتی در آن کمتر خواهد بود. بنابراین، نهاد موثر اجتماعی که در حال حاضر در کشور، بخشهای دولتی می باشند برای مشارکت سازمانهای غیردولتی، باید اصلاحاتی را در چارچوب خود بپذیرند. این اصلاحات می باید متوجه تمرکززدایی از ساختار مدیریتی منابع و حذف انحصارگرایی دولتی در مالکیت منابع باشد.

### **ج - عوامل مربوط به موثرترین نهاد اجتماعی**

در بین نهادهای اجتماعی موثر در ساختار سازمانهای غیردولتی، موثرترین آنها نهاد سیاسی و یا بخشهای دولتی می باشند. در کشور ما بخش دولتی شامل کلیه عوامل، امکانات و منابع حکومتی است و شامل دولت، مجالس قانونگذاری، سازمانهای دولتی و... می باشد.

دولت به عنوان موثرترین و پر قدرت ترین نهاد اجتماعی، در حال حاضر، مدیریت منابع عمومی را در کشور برعهده دارد. البته این مهم، نشیب و فرازهای متعددی در طول تاریخ ایران داشته است. گاهی این نقش منحصراً در اختیار دولت بوده است و دولت به عنوان تنها متولی آن شناخته می شد. در این حالت دولت، به تنهایی حق هرگونه تصرف و مالکیت را از آن خود می دانسته و گروهها و سازمانهای غیردولتی نقشی کاملاً حاشیه ای در مدیریت منابع خود داشته اند. گاهی نیز دولت، مدیریت بخش خصوصی و غیردولتی را در بخشهایی از منابع پذیرفته است.

یکی از عوامل تعیین کننده مشارکت سازمانهای غیردولتی در مدیریت منابع عمومی، مردم سالارانه بودن حکومت و سطح آزادی و دموکراسی در هر کشور است وجود و گسترش مردم سالاری و دموکراسی، امکان حضور و فعالیت سازمانهای غیردولتی را در صحنه های اجتماعی و اقتصادی بیشتر می کند و مدیریت منابع را از حالت انحصارگرایی دولتی می رهند. مردم سالاری و دموکراسی موجب پذیرش نقش نظارتی مردم از طریق سازمانهای غیردولتی برفعالیتهای دولتی می شود و در نهایت موجب گسترش روحیه تفاهم ملی و

منطقه ای خواهد شد.

در حال حاضر، عدم وجود نهاد و مراجع متولی و رسمیت دهنده سازمانهای غیردولتی یکی از عوامل بازدارنده فعالیت این سازمانها در کشور است. قوانین مربوط به ثبت موسسات غیردولتی در کشور ناقص است و اغلب این سازمانها تحت عنوان موسسات تجاری و بعضاً غیرانتفاعی ثبت می شوند. این در حالی است که سازمانهای غیردولتی، ساختاری کاملاً متفاوت با بنگاههای تجاری دارند.

نوع و ماهیت منابع نیز بر روی شیوه مدیریت آنها موثر است. گاهی منابع به نحوی است که اساساً نباید به صورت غیرمتمرکز اداره شوند و دولت به عنوان نهاد اجتماعی موثرتر که مورد حمایت مردم است. به صورت متمرکز می باید آن را اداره کند. استخراج نفت در کشور به دلیل نیاز به سرمایه گذاری کلان و از سوئی وابستگی امنیت و ثبات کشور به این منبع، از جایگاه بالایی برخوردار است. گاهی دولت توان و حوصله لازم در مدیریت بخشی از منابع را ندارد در حالی که چنین بخشی از منابع نمی تواند به صورت متمرکز اداره شود. از جمله این منابع می تواند منابع طبیعی تجدید شونده مانند جنگلها و مراتع باشد. دولت هرگز قادر نخواهد بود از مساحتی در حدود 80 درصد سطح کشور به صورت متمرکز و انحصاری محافظت کند و آن را توسعه دهد.

در این حالت سازمانهای غیردولتی می توانند یاری کننده دولت بوده و مدیریت بخشی از منابع را برعهده گیرند. آنها با ایجاد تفاهم و توازن میان منافع مردمی و مصالح عمومی و جلب مشارکت مردم و همچنین جذب سرمایه های کوچکشان، غالباً چنین نقشی را به بهترین نحو انجام می دهند.

## د - تعامل سه گانه

در نگاهی کارکردگرایانه به موضوع ، بررسی جایگاه مشارکتی بخشهای موردبحث، اهمیت ویژه ای می یابد. برهمن اساس بخشی از یافته های سازمان خواروبار جهانی درباره جایگاه مدیریت مشارکتی سازمانهای دولتی - غیردولتی را با هم می خوانیم:

سازمان خواروبار جهانی (FAO) مدیریت مشارکتی منابع را تابع میزان تمایل به همکاری بخشهای دولتی و سازمانهای غیردولتی می داند. میزان همکاری بین این دو بخش به ماهیت مشارکت آنها باز می گردد. ماهیت مشارکت و همکاری این دو بخش شامل پنج سطح نسبتاً مجزا می شود که در جدول شماره (2) مشخص شده است.

## سطح اول : مشارکت از نوع مشاوره اي

هرگاه سازمان و يا موسسه اي با هدف مبادله اطلاعات روابط، مناسبات خود را با ساير سازمانها گسترش دهد و يا مناسبات جديدي با آنان برقرار نمايد. اين سطح از مشارکت قابل تعريف است.

براي عملي کردن اين سطح از مشارکت، دو طرف با برگزاري سمینارها، کارگاههاي آموزشي، گردهمايي هاي مشورتی و امثال آن دانسته ها و نظرهاي خود را با يکديگر مبادله مي کنند. به اين ترتيب، آنان از نقطه نظرات يکديگر درباره مسائل مشترك موردبحث، مطلع مي شوند.

از عوامل ارزيابي ميزان عملي شدن اين سطح از مشارکت، استمرار در فعاليتهاي مشترك، تسهيم هزينه ها، بازبودن و گشودگي محيط جلسات، (به نحوي که حق اظهارنظر و مبادله اطلاعات به هردو طرف داده شود) و همکاري و تشريك مساعي است.

## سطح دوم : مشارکت از نوع هماهنگ سازي

هدف اين نوع از مشارکت متوجه بالابردن کارايي و اثربخشي دوطرف مشارکت کننده در دست يابي به اهداف سازماني متبوع هريك از آنان است. جلوگیری از دوباره کاری و همزمان کردن فعاليتها مهمترين اهداف اين سطح از همکاري مي باشند.

اين نوع مشارکت مي تواند در تقويت ارتباط میان دو طرف ياري رسان باشد. در اين سطح از مشارکت، در مواقع بروز حوادث غيرمترقبه و بلاياي طبيعي مانند سيل، زلزله، آتش سوزي در جنگل و امثال آن، اين سازمانها باايجاد کمیته هاي مشترك مي توانند در ياري رسانی به مردم نقش اساسي داشته باشند.

## سطح سوم : مشارکت در کنار يکديگر و تکميلي

در اين سطح از مشارکت، هربخش، دیدگاهها و ایده هاي خاص و خود را دارد. ولي دو طرف با تعريف چارچوب و برنامه اي مشترك، تلاشهاي هدفمند خود را براي حمايت از يکديگر مشخص و پيگيري مي کنند. در اين سطح هريك از دو طرف داراي علايق متفاوتي هستند ولي براي دست يابي به کنشي مشترك، اين علايق را هدايت و برنامه ريزي مي نمايند.

تعريف و برنامه ريزي شيوه انجام و تحقق بخشیدن به اهداف مشترك، تدوين راهکارهاي حمايتي، توسعه توان و ظرفيتهاي دو طرف، از زمينه هايي اساسي مي باشند که در اين سطح از مشارکت لازم است. برنامه ريزي برنامه هايي که داراي منافع براي دو طرف باشد، ايجاد برنامه هاي مشترك و تسهيم شده، انجام حمايتهاي مديريتي و تشريك مساعي در

امور، از عوامل اساسی در ارزیابی میزان موفقیت در این سطح می باشد.

### **سطح چهارم : مشارکت از نوع عمگرای**

در این سطح از روابط، هردو طرف نسبت به همکاری میان یکدیگر، تسهیم در یک دیدگاه مشترک، اتخاذ اهداف مشترک، اجرای طرحهای عملی در سطوح یک برنامه و امثال آن با یکدیگر همکاری و اتفاق نظر دارند. روابط و مکانیزمهای استفاده شده در این سطح از مشارکت در جهت تسهیل دست یابی به اهداف جمعی نهادینه شده اند.

هدف این سطح از همکاری، برنامه ریزی بلندمدت پروژه های مشترک و پیگیری برنامه مصوب به طور همگام و مستمر با اتخاذ روش تصمیم گیری مشترک در پیشبرد آنها است.

برخی از عواملی که می باید در ارزیابی میزان موفقیت در دستیابی به اهداف این سطح از مشارکت مدنظر قرار گیرند، سطح و میزان همکاری اقتصادی و مالی دوجانبه، تسهیم در دیدگاهها، توافق در راهبردها، رهبری امور، میزان تفکیک صریح و روشن مسئولیتها و وظایف می باشند.

### **سطح پنجم: مشارکت از نوع نهایی**

این رابطه احتمالاً بالاترین شکل و سطح از همکاری میان سازمانهای غیردولتی و دولتی را شامل می شود که در آن هر دو طرف یکدیگر را به عنوان بخشهای لازم و ملزوم در فرایند توسعه و دستیابی به اهداف و دیدگاههای مشترک می بینند. در این سطح از همکاری هردو موسسه با یکدیگر براساس نظم و ترتیبی پایدار و بلندمدت و استراتژیک و باتوجه به جنبه های مختلف زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از جامعه کار می کنند. در این سطح از مشارکت، سازمانهای غیردولتی به منابع دولتی امکان دسترسی دارند و به این سازمانها، فرصت و امکان مشارکت کافی و مورد درخواست آنها در تنظیم و برنامه ریزی سیاستها و فرایند تصمیم گیری محلی و ملی داده شده است.

هدف از این نوع همکاری برنامه ریزی، تصمیم گیری و اجرای امور به شیوه استراتژیک می باشد. مشخصه این شیوه مشارکت و همکاری، نهادینه شدن روابط کاری بین آنها در بلندمدت است که این روابط در بیشترین جنبه های زندگی جمعی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی قابل پیگیری و مشاهده می باشد.